



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

بررسی تربیت دینی فرزندان در روایات

زهرا رضایی نصرت‌آبادی^۱، معصومه مرادی قوشه بلاغ^۲، زهرا طاهری شاهپوردی^۳، حدیثه اسکندری شال^۴

۱- دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان، مرکز آموزش عالی عترت تهران

۲- دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان، مرکز آموزش عالی عترت تهران

۳- دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان، مرکز آموزش عالی عترت تهران

۴- دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان، مرکز آموزش عالی عترت تهران

zahra.r213@gmail.com

چکیده

تربیت دینی فرزندان، از حوزه‌های مهم تربیتی است که در وهله اول بر عهده والدین قرار گرفته است. از نظر قرآن و روایات اهل بیت (ع) و همچنین از نظر تاریخ و تجربه‌های به دست آمده، پدر و مادر، نقش مؤثری در سرنوشت کودک و سعادت و شقاوت وی ایفا می‌کنند. علاوه بر والدین معلم، مدرسه، محیط و دوست در تربیت دینی فرزندان مؤثرند. اما بدیهی است که محیط خانه نخستین مأمّن کودکان برای فراگیری آموزه‌های دینی است؛ و لذا پدر و مادر با تربیت صحیح فرزندان، بزرگترین دین ملی و انسانی خویش را ادا می‌کنند. به سبب اهمیت موضوع مذکور، بر آن شدیم تا بحث تربیت دینی و روش صحیح اجرای آن را با مدد از روایات اهل بیت (ع) بررسی کنیم. در این نوشتار که با روش کتابخانه‌ای گردآوری گشته است، ابتدا به طور مجزا تعریفی از تربیت و دین ارائه شده و سپس به تربیت دینی و ضرورت و اهمیت آن پرداخته است. در ادامه به نقش حیاتی والدین و پس از آن محیط و جامعه می‌پردازد و روایاتی از ائمه اطهار و سیره آنان من باب تربیت دینی مطرح می‌سازد.

کلمات کلیدی: تربیت دینی، فرزند، روایات، والدین، اهل بیت (ع)



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مقدمه

«النَّاسُ مَعَادِنُ كَمَعَادِنِ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ» مردم معادنی هستند همچون معادن طلا و نقره.

پیامبر اکرم(ص)

معادن نعمت های ارزشمند اعطا شده به انسان از طرف خداوند هستند، اما لازمه بهره‌وری از آنها فرآوری درست سنگ های معدنی می‌باشد. در انسان نیز استعداد های گوناگونی نهادینه شده و لازمه بهره‌وری از آنها، پرورش صحیح این استعدادهاست تا فرد شکوفا شود و سنگ طلای بلا استفاده و سرشار از ناخالصی تبدیل به زیوری بی تبدیل شود.

پس پرورش صحیح اصل است. اگر پرورش آدمی در سنین پایین، درست اتفاق بیفتد، دیگر چاره‌اندیشی برای تعدد زندانیان و بیماران روحی لزومی ندارد. آموخته ها در دوران کودکی ریشه‌دار و عمیق‌اند، با ثبات و پایداری در مغز جای می‌گیرند و به آسانی از صفحه خاطر زدوده نمی‌شوند. به همین جهت اکثر آنها تا پایان عمر باقی می‌مانند. حضرت علی(ع) فرمودند: «أَلْعِلْمُ فِي الصَّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ»^۱

«معلومات دوران کودکی، همانند نقشی است که بر سنگ، حجاری شده باشد».

اما این سوال مطرح می‌شود که "کدام روش تربیتی، روش صحیح و قابل اطمینان است؟"

پر واضح است که تربیت انسان جای آزمون و خطا ندارد، چرا که آدمی فقط یک بار فرصت زندگی کردن را داراست و برای فائق آمدن بر این محدودیت باید قابل اطمینان‌ترین برنامه زندگی را بیابد؛ برنامه‌ای که به کمک آن بتواند ابعاد مختلف زندگی خود همچون پرورش که موضوع بحث ما است را به بهترین نحو به سرانجام برساند. اسلام از زمان معرفی توسط رسول اکرم (ص) کامل ترین دین و برنامه زندگی بوده و به برکت قرآن کریم و اعجاز آن و اهل بیت پیامبر همچنان پس از ۱۴۰۰ سال کامل ترین است.

در این مقاله با اتکا بر روایات نقل شده از پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت ایشان (علیه و علیهم السلام) به بررسی تربیت دینی فرزندان در روایات می‌پردازیم. برای مأنوس تر شدن و درک بهتر، در ابتدا به ارائه تعریف مختصری از مفاهیم تربیت، دین و تربیت دینی خواهیم پرداخت و در ادامه ضرورت تربیت دینی را بررسی می‌کنیم و عوامل موثر بر آن را از زبان روایات بیان خواهیم کرد؛ در راستای این موضوع مقاله های متعددی نگارش شده که در آنها به جزئیاتی همچون فوائد دنیوی و اخروی تربیت دینی فرزندان برای والدین پرداخته شده است. اما در این مقاله ما بیشتر به چگونگی تربیت دینی بر اساس روایات و تاثیر عوامل مختلف بر آن توجه نموده‌ایم. این پژوهش به دلیل حساسیت و ضرورت صحت و سقم روایات مورد استفاده، به روش کتابخانه‌ای انجام شده است و هدف اصلی آن رواج تربیت دینی و توجه به عوامل موثر بر تربیت می‌باشد.

۱. تربیت

واژه «تربیت» در لغت به معنای پروراندن یا پرورش آمده است.^۲ این واژه در آیات و احادیث کم‌تر استفاده شده، ولی در مقابل واژه تزکیه و تأدیب بیشتر به کار رفته است. تزکیه و تربیت یک معنا دارند؛ زیرا تزکیه نیز مانند تربیت به معنای پرورش است. تزکیه از ریشه زکات است:

زکات به معنای رشد و نمو و پرورش است که در پرورش و طهارت نفس نیز به کار می‌رود. گاهی تزکیه را به بنده نسبت می‌دهند به اعتبار اینکه خود، متصدی پرورش خویش است؛ مانند «قَدْ أَلْحَ مَنْ زَكَّيْهَا». گاهی به خدا نسبت داده می‌شود؛ زیرا فاعل پرورش در حقیقت خداست؛ مانند «بَلِ اللَّهِ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ». گاهی به

^۱ بحار، ج ۱، ص ۶۹

^۲ لغت‌نامه علی اکبر دهخدا، واژه تربیت.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

پیامبر نسبت داده می شود؛ چون واسطه رسیدن کمال به بندگان است؛ مانند «يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ...» و گاهی نیز به عبادت نسبت داده می شود؛ زیرا وسیله پرورش و تکامل نفس است؛ مانند «وَ حَنَانًا مِّن لَّدُنَّا وَ زَكْوَةً»^۱.

برای تربیت تعریف‌های متعددی ارائه شده است که در عین تعدد، همگی تربیت را فرآیندی می‌دانند که با استفاده از استعداد‌های فرد تغییراتی در او می‌آفرینند. حال اگر عنصری هدفمند به این فرآیند افزوده شود، می‌توان گفت که تربیت عبارت است از: «فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل برای به فعلیت رساندن و شکوفا کردن استعداد‌های انسان در جهت مطلوب». بنابراین، تربیت مبتنی بر یک هدف و مقصد است که آن نیز تابع نوع نگرش مکتب‌ها به انسان و جهان است که همین نگرش تعیین می‌کند استعدادها چگونه و به چه میزان توانایی شکوفایی دارند، راز گوناگونی دیدگاه‌ها درباره تربیت در همین نکته نهفته است.

۲.۵.۲ دین

واژه «دین» در لغت به معنای کیش، آیین، طریقت و شریعت^۲ و در اصطلاح عبارت است از مجموعه اصول، قواعد، احکام و دستوراتی که از سوی خداوند به انسان داده شده است. به عبارت دیگر دین، شامل گزاره‌های توصیفی و تجویزی است و سه عنصر اساسی دارد:

۲-۱. شناخت

نخستین عنصر مؤثر در دینداری و تدین، علم به اصول و قواعد ضروری دین است. فرد متدین باید گزاره‌های دینی را از طریق استدلال و برهان عقلی دریافت کند؛ مانند توصیف اینکه «الله آفریننده جهان است» یا «خدا یکی است».

۲-۲. ایمان

عنصر دوم در دین، التزام قلبی انسان به باورها و اصول مسلم دینی است. به کسی که به خداوند اعتقاد قلبی ندارد، متدین نمی‌گویند. ریشه تمام ارزشهای اخلاقی، ایمان به گزاره‌های دینی است، و ایمان مبتنی بر شناخت و معرفت است؛ به گونه‌ای که هر چه معرفت کامل‌تر شود، ایمان قوی‌تر می‌گردد. البته علم و شناخت، شرط کافی برای ایمان نیست، بلکه شرط لازم آن است. عنصر اراده و گرایش باطنی به باورهای دینی جزء دیگری از ایمان است.

۲-۳. عمل

عنصر سوم دین، عمل به گزاره‌های تجویزی و احکام دینی است؛ یعنی فرد، باورهای دینی‌اش را در مرحله عمل نیز آشکار سازد. عملی از نظر اسلام ارزشمند است که ناشی از ایمان راسخ به اصول دین و ارزشهای مذهبی است.^۳

۳. تربیت دینی

از آنچه درباره تربیت و دین گفته شد، بر می‌آید که مفهوم «تربیت دینی» در پیوند با سه محور شناخت، ایمان و عمل قابل تحقق است. بنابراین، می‌توان گفت:

^۱ مفردات القرآن، راغب اصفهانی، واژه زکی.

^۲ لغت‌نامه؛ علی اکبر دهخدا، واژه دین.

^۳ ر.ک. مجله معرفت، شماره ۲۳ (مقاله تربیت دینی خانواده، محمد احسانی).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

تربیت دینی فرآیندی است که از طریق اعطای بینش، التزام قلبی و عملی به فرد، هماهنگ با فطرت و به دور از جبر و فشار، به منظور نیل به سعادت دنیوی و اخروی انجام می‌گیرد.^۱
براساس این تعریف، مهم‌ترین وظیفه والدین و مربیان تربیتی این است که متربی را در محیط خانواده و مدرسه در سه بعد شناخت، ایمان و عمل به بایدها و نبایدها پرورش دهند.

۴. ضرورت و اهمیت تربیت دینی

شاید کم‌تر کسی درباره ضرورت و لزوم تربیت دینی شک کند؛ زیرا با اندکی تفکر روشن می‌شود که سعادت انسان در گرو تربیت دینی است. تربیت دینی می‌تواند ارتباط آفریده با آفریدگار را مستحکم‌تر کند و او را به پذیرش تعهد و قبول مسئولیت وادارد.

در اهمیت تربیت دینی همین بس که انگیزه بعثت انبیا در اصل بر همین هدف استوار است و قرآن کریم که کتاب هدایت و انسان‌سازی است در پاره‌ای از آیات به طور صریح به تربیت دینی فرزندان پرداخته، می‌فرماید:
يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ...

(تحریم: ۶)

ای کسانی که ایمان آورده اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ هاست نگه دارید.

درآیه‌ای دیگر می‌فرماید:

قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

(زمر: ۱۵)

بگو: زیانکاران واقعی آنان‌اند که سرمایه وجود خویش و خانواده [بستگانشان] را در روز قیامت از دست داده‌اند.
اولیای گرامی اسلام نیز بر تربیت به طور عام و تربیت دینی فرزندان به طور خاص تأکید و توصیه کرده‌اند. رسول خدا (ص) می‌فرماید:

فرزندانتان را با سه ویژگی تربیت کنید: دوستی پیامبرتان، دوستی اهل بیت او و قرائت قرآن.^۲

همان حضرت می‌فرماید:

به کودکان خود در هفت سالگی امر کنید که نماز بگذارند.^۳

امام صادق (ع) نیز از پدر بزرگوارش نقل می‌کند که فرمود:

ما [اهل بیت] فرزندانمان را در پنج سالگی به نماز و می‌داریم ولی شما فرزندانمان را در هفت سالگی به نماز وادار

سازید.^۴

در حدیثی دیگر می‌فرماید:

پسر بچه هفت سال باید بازی کند، هفت سال نوشتن بیاموزد و هفت سال نیز حلال و حرام را بیاموزد.^۵

^۱ همان.

^۲ میزان الحکمة، ج ۱۰، ص ۷۲۱.

^۳ همان، ص ۷۲۲.

^۴ وسایل الشیعه، ج ۳، ص ۱۲.

^۵ همان، ج ۱۲، ص ۲۴۷.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۵. نقش مهم والدین در تربیت دینی فرزند

از قرآن و روایات اهل بیت (ع)، از تاریخ و تجربه برمی آید که پدر و مادر در خوشبختی‌ها و بدبختی‌های اولاد دخالت دارند. پدر و مادر مواظب، در سعادت بچه تأثیر فراوان دارند و پدر و مادر لایالی و بی تفاوت در تربیت، در بدبختی اولاد تأثیر عجیبی دارند. این تأثیر به اندازه‌ای است که از پیغمبر اکرم (ص) روایتی مشهور رسیده:

«السَّعِيدُ مَنْ سَعِدَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ وَالشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ»^۱

معنای روایت این است: «دل مادر زمینه‌ساز برای سعادت و یا برای شقاوت بچه است»، به عبارت دیگر معنای روایت این است که پدر و مادر، زمینه‌ساز سعادت و یا شقاوت بچه‌اند.

در قرآن کریم این آیه که می‌خوانیم تکرار شده است و لحن شدیدی دارد، می‌فرماید:

«إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ»^۲

ورشکسته آشکار در روز قیامت آن است که باید برای خاطر اولاد به جهنم برود، ورشکسته آشکار آن است که خود و زن و بچه‌اش را از آتش جهنم نجات نداده است و در روایات می‌خوانیم: وای بر آن پدر و مادری که به فکر دنیای بچه‌هایشان هستند، اما به فکر آخرت آنها نیستند.

در روایتی می‌خوانیم پیغمبر اکرم (ص) با اصحابش از جایی رد می‌شدند، با بچه‌هایی برخورد کردند که بازی می‌کردند. پیغمبر نگاهی به بچه‌ها کرد و بعد فرمود: **بدا به حال بچه‌های دوره آخر الزمان از دست پدر و مادرهایشان** به خاطر اینکه پدر و مادرها به فکر دنیای بچه‌هایشان هستند، اما به فکر آخرت آنها نیستند. به فکر تأمین آتیه برای اولادشان هستند، اما به فکر تربیت صحیح، ادب این بچه و دین او نیستند. سپس پیغمبر (ص) فرمود: من بری هستم از اینگونه مردم و آنها هم از من بری هستند.^۳ یعنی آن پدر و مادری که بی تفاوت در تربیت اولاد باشد، آن پدر و مادری که بی تفاوت در ادب اولادش باشد، پیغمبر فرموده‌اند من از آنها بیزارم و آنها هم از من بیزارند.

در روایتی دیگر پیغمبر اکرم (ص) لعن کردند. فرمودند: **لعنت خدا بر آن پدر و مادری باد که موجب بشود اولادش عاق گردد.**^۴ معنای جمله این است که اگر پدر یا مادری اولادش را به طور صحیح تربیت نکند، دین صحیح به اولادش ندهد، ادب صحیح به او ندهد، موجب می‌شود که این فرزند پرخاشگر، طغیانگر و بی ادب شود، در مقابل همه و به خصوص پدر و مادرش قد علم کند و پیغمبر نیز فرمودند لعنت خدا بر پدر و مادری باد که موجب می‌شوند اولادشان عاق شود. و این عاقی است که خود والدین موجب شده‌اند. زیرا باید فرزندشان را تربیت کنند و او را مؤدب بار بیاورند؛ تا در جامعه و خانه مؤدب باشد، متدین باشد، با عاطفه و با اخلاق باشد، با دیگران و با والدین پرخاشگری نکند. اگر پدر و مادر در تربیت فرزند بی تفاوتی کنند و فرزندشان پرخاشگر شود در این صورت هر دو مسئولند. فرزند برای اینکه عاق پدر و مادر است به جهنم می‌رود و والدین برای اینکه تربیت صحیح نکرده‌اند.

در مکتب آسمانی اسلام، هیچ خدمتی از ناحیه پدران و مادران درباره فرزندانشان، شریف‌تر از تربیت صحیح آنان نیست

و در این باره روایات بسیار رسیده است:

قالَ عَلِيُّ (ع): «مَا نَحَلَ وَالِدٌ وَلَدًا نَحْلًا أَفْضَلَ مِنْ أَدَبٍ حَسَنٍ»^۵

علی (ع) فرمود: «هیچ پدری به فرزندش تفضل و بخشش ننموده است؛ که عالی‌تر و شریف‌تر از تربیت خوب باشد».

قالَ عَلِيُّ (ع): «حُسْنُ الْأَدَبِ أَفْضَلُ نَسَبٍ وَأَشْرَفُ سَبَبٍ»^۱

^۱ تفسیر روح البیان، ج ۱، ص ۱۰۴ و کنز العمال، خبر ۴۹۰.

^۲ الزمر- ۱۵.

^۳ جامع الاخبار، باب فی الاولاد.

^۴ بحار، ج ۷۷، ص ۵۸.

^۵ مستدرک، ج ۲، ص ۶۲۵.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

علی (ع) فرمود: «ادب و تربیت خوب، از هر بستگی نسبی و سببی، شریف‌تر و افتخارآمیزتر است».

قال الصادق (ع): «إِنَّ خَيْرَ مَا وَرَثَ الْآبَاءُ لِأَبْنَائِهِمُ الْأَدَبُ لَا الْمَالُ»^۲.

امام صادق (ع) فرمود: «بهترین ارثی که پدران برای فرزندان خود باقی می‌گذارند، ادب و تربیت صحیح است، نه ثروت و مال».

قال علي (ع): «لا ميراثَ كالأدب»^۳.

علی (ع) فرمود: «هیچ ارثی مانند ادب و اخلاق، پر ارج و گرانمایه نیست».

حضرت سجاد (ع) در انجام وظیفه سنگین تربیت فرزند، از خداوند بزرگ استمداد می‌نمود و در ضمن دعاهاى خود در

پیشگاه الهی عرض می‌کرد:

«وَأَعْنِي عَلَى تَرْبِيَتِهِمْ وَتَأْدِيبِهِمْ وَبِرِّهِمْ»^۴

«بارخدا! مرا در تربیت و ادب و نیکوکاری فرزندانم، یاری و مدد بفرما».

قال علي بن الحسين (ع): «وَأَمَّا حَقُّ وُلْدِكَ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهُ مِنْكَ وَ مُضَافٌ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَ شَرِّهِ وَ أَنْتَ

مَسْئُولٌ عَمَّا وَكَلِّتَهُ بِهِ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَالِدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْمَعُونَةَ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ فَاعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلٌ مَنْ يَعْلَمُ أَنَّهُ

مُتَابٌ عَلَى الْإِحْسَانِ إِلَيْهِ مُعَاقِبٌ عَلَى الْإِسَاءَةِ إِلَيْهِ»^۵

امام زین العابدین (ع) فرمود: «حق فرزندان به تو است که بدانی وجود او از توست و نیک و بدهای او در این دنیا وابسته

به توست، بدانی که در حکومت پدری و سرپرستی او، مؤاخذ و مسئولی، موظفی فرزندان را با آداب و اخلاق پسندیده پرورش

دهی، او را به خداوند بزرگ راهنمایی کنی و در اطاعت و بندگی پروردگار یاریش نمایی، به رفتار خود در تربیت فرزندان توجه

کنی، پدری باشی که به مسئولیت خویش آگاه است؛ می‌داند اگر نسبت به فرزند خود نیکی نماید، در پیشگاه خداوند اجر و

پاداش دارد و اگر درباره او بدی کند، مستحق مجازات و کیفر خواهد بود»

پرورش صحیح فرزندان نه تنها یک مسئولیت ملی و مملکتی است، بلکه این وظیفه مقدس روحانی، یک فریضه اجتناب ناپذیر

شرعی و مذهبی است. پیشوای عالی قدر شیعیان، حضرت سجاد (ع) در این حدیث شریف به مسئولیت پدران در تربیت فرزندان

تصریح فرموده است. امام (ع) پرورش‌های اخلاقی و ایمانی کودکان را از وظایف مسلم مذهبی آنان دانسته و خاطر نشان نموده

است که تربیت‌های پسندیده پدران مانند ادای یک فریضه مذهبی، موجب اجر و پاداش در پیشگاه خداوند است، و پرورش‌های

ناپسند مانند ترک واجب یا ارتکاب گناه، پدران را مستحق عقاب و کیفر خواهد کرد.

۶. نقش معلم در تربیت دینی فرزند

یزید بن معاویه پسری داشت که در نظرش بسیار عزیز و محبوب بود، نام او را معاویه گذارده بود و علاقه داشت که به خوبی

تربیت شود و به شایستگی، مدارج کمال را بپیماید.

موقعی که به سن تحصیلی رسید، معلم لایق و با فضیلتی را به نام «عمر المقصوص» برای تعلیم و تربیت او برگزید و

فرزند خود را به وی سپرد. عمر المقصوص از مردان باایمان و از دوستداران واقعی علی (ع) بود و در باطن از رفتار ظالمانه معاویه

بن ابی‌سفیان و فرزندش یزید سخت تنفر داشت. این معلم شایسته، در طول سنواتی که عهده‌دار تعلیم و تربیت معاویه بن یزید

بود، همه مبانی اسلامی و ایمانی را به وی آموخت و تمام وجودش را از اشعه فروزان تعالیم قرآن شریف روشن کرد و او را یک

فرد معتقد به اسلام و حقوق اهل بیت (علیهم السلام) بار آورد.

^۱ غرالحکم، ص ۳۷۹.

^۲ روضة کافی، ص ۱۵۰.

^۳ فتح البلاغة فیض، ص ۱۱۲۹.

^۴ صحیفة سجادیه، دعائه لولده.

^۵ مکارم الاخلاق، ص ۲۳۲.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمانی که یزید بن معاویه لعنة الله عليه از دنیا رفت، پسرش به جای پدر نشست، و چهل روز در شام خلافت کرد. معاویه صغیر پس از چهل روز خلافت، خود بالای منبر رفت و در حضور مردم، پدرش و اجدادش را تکذیب و سرزنش نمود و اعلام کرد که من شایسته خلافت نیستم. سپس از منبر پایین آمد و به خانه‌اش رفت و درب خانه را به روی خود بست و چنان شهامتی از خود نشان داد.

بنی امیه بسیار از این کار ناراحت شدند، مادرش نزد او آمد و گفت: کاش پارچه حیض بودی و آن را دور می‌افکندم و این کار را از تو نمی‌دیدم. او در پاسخ گفت: سوگند به خدای ای مادر! دوست داشتم چنین بودم و عهده‌دار مقام خلافت نمی‌شدم، تا وزر و وبال آن در گردن من باشد و از عیش و نوشش، بنی امیه بهره‌مند شوند. بنی امیه بین خود گفتند: معاویه تحت تأثیر معلم خود قرار گرفته که این گونه شده است، به سراغ معلم‌اش عمر بن مقصود آمدند. او را دستگیر کرده و زنده به گورش نمودند. پس مخفیانه معاویه را مسموم کردند و پس از چهل روز، از دنیا رفت و هنگام مرگ ۲۲ سال داشت. نقش معلم در سازندگی یا ویرانی اخلاقی کودکان بسیار مهم است. معلم به سبب نفوذ معنوی خود، با تمام رفتارش، الگوها و سرمشق‌هایی در اختیار شاگردان قرار می‌دهد و آنان از تمام حرکات و سکنتات و اشارات و حتی واژه‌هایی که معلم در خلال انجام وظیفهٔ تعلیم، از آنها استفاده می‌کند، به شدت تأثیر می‌پذیرند.

۷. تأثیر دوست در تربیت دینی فرزند

انسان موجودی اجتماعی و اهل دوستی و معاشرت است و بدین وسیله هم نیاز فطری خود را پاسخ می‌دهد و هم تأثیر می‌گذارد و تأثیر می‌پذیرد. از این رو، محیط دوستی و معاشرت از محیط‌هایی است که در جهت مثبت و منفی نقشی جدی در تربیت فرزندان می‌گذارد و شایسته است مورد توجه والدین و مربیان تربیتی قرار گیرد. هر فردی درست به اندازه میزان دوستی و رفاقت، در امور مادی و معنوی فرد دیگر می‌تواند نفوذ کند و روی عقاید، اخلاق، رفتار و گفتار او تأثیر گذارد. رسول اکرم (ص) فرمود:

«الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ وَ قَرِينِهِ»^۱

«آدمی بر دین رفیق و قرین خویش است.»

و نیز فرمود:

همنشین خوب مانند عطار است که اگر عطر خویش به تو ندهد، بوی خوش او در تو اثر می‌کند و همنشین بد مثل آهنگر است. اگر آتش آن تو را نسوزاند بوی بد آن در تو تأثیر می‌گذارد.^۲

امام علی(ع) نیز فرمود:

«وَأَعْلَمُوا أَنَّ مَجَالِسَةَ أَهْلِ الْهَوَى مَنَسَأَةٌ لِلْإِيمَانِ وَ مَحْضَرَةٌ لِلشَّيْطَانِ»^۳

«بدانید که همنشینی هواپرستان، فراموشخانه ایمان و جای شیطان است.»

امام صادق(ع) فرمود: پدرم از پدرش امام سجاد(ع) نقل کرد که فرمود: «ای فرزندم متوجه باش که با پنج شخص، همنشینی نکنی و با آنها گفتگو و رفاقت در راهی ننمایی. پرسیدم: پدرجان آنها کیانند؟ فرمود:

۱- با دروغگو همنشین مشو؛ زیرا او مثل سرابی است که دور را نزدیک و نزدیک را در نظرت دور، جلوه می‌دهد.

۲- با فاسق و گنهکار همنشین مشو؛ زیرا او تو را به یک لقمه یا کمتری فروشد.

^۱ وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۲۰۷.

^۲ راهنمای انسانیت، ص ۶۵۸.

^۳ فتح البلاغه، خطبه ۸۶.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۳- و بهره‌یز از همنشینی با بخیل؛ زیرا او مال خود را در سخت‌ترین نیازهایت از تو دریغ دارد.

۴- و حتماً با احمق (کم عقل) همنشین مباش؛ زیرا او می‌خواهد به تو سود رساند، ولی (بر اثر حماقت) به تو زیان می‌رساند.

۵- و مبادا با آن کس که «قطع رحم» کند، رفاقت کنی که من او را در سه مورد از قرآن، ملعون یافتیم.

الف: در سوره محمد آیه ۲۲ و ۲۳ می‌خوانیم:

«فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَ تَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ»

«اما اگر روی گردان شوید آیا جز این انتظار می‌رود که در زمین فساد کنید و قطع رحم نمایید. آنها کسانی هستند که خداوند آنها را از رحمشان دور ساخته، پس گوش‌هایشان را کر و چشم‌هایشان را کور ساخته است.»

ب: در سوره رعد آیه ۲۵ می‌خوانیم:

«وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ»

«و آنها که عهد الهی را پس از محکم کردن می‌شکنند و پیوندهایی را که خداوند به آن امر کرده است، قطع می‌کنند و در روی زمین فساد می‌نمایند، برای آنها لعنت و بدی مجازات در سرای آخرت است.»

ج: در سوره بقره آیه ۲۷ می‌خوانیم:

«الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ»

یعنی: «فاسقان آنها هستند که پیمان خدا را پس از آنکه محکم ساختند می‌شکنند و پیوندهایی را که خدا دستور داده برقرار سازند، قطع می‌نمایند و در جهان، فساد می‌کنند، زیان کارانند.»^۱

در عصر پیامبر(ص) دو نفر دوست در میان مشرکان به نام عقبه و ابی بودند، هر زمان عقبه از سفر می‌آمد غذایی ترتیب می‌داد و اشراف قومش را دعوت می‌کرد و در عین حال دوست می‌داشت به محضر پیامبر برسد هر چند اسلام را نپذیرفته بود.

روزی از سفر آمد و طبق معمول ترتیب غذا داد و دوستان را دعوت کرد، در ضمن از پیامبر نیز دعوت نمود.

هنگامی که سفره را گشودند و غذا حاضر شد پیامبر فرمود: من از غذای تو نمی‌خورم تا شهادت به وحدانیت خدا و رسالت من بدهی! عقبه شهادتین را به زبان جاری کرد.

این خبر به گوش دوستش ابی رسید و گفت: ای عقبه از آئینت منحرف شدی؟! او گفت: نه به خدا سوگند من منحرف نشدم ولیکن مردی بر من وارد شد که حاضر نبود از غذایم بخورد جز اینکه شهادتین بگویم من از این شرم داشتم که او از سفره من برخیزد بی آنکه غذا خورده باشد لذا شهادت دادم!

ابی گفت: من هرگز از تو راضی نمی‌شوم مگر اینکه در برابر او بایستی و سخت توهین کنی! عقبه این کار را کرد و مرتد شد، و سرانجام در جنگ بدر در صف کفار به قتل رسید، و رفیقش ابی نیز در روز جنگ احد کشته شد.^۲

۸. تأثیر محیط در تربیت دینی فرزند

محیط اجتماعی - اعم از افراد اجتماع و فضای حاکم بر آن - نیز افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به تعبیر شهید مطهری «هر انسانی پاک و پاکیزه به دنیا می‌آید، یعنی مجهز به یک تقوای ذاتی است، ولی ممکن است که به تدریج در اثر آلودگی‌های محیط از مسیر فطرت خارج شده تا آنجا که به کلی مسخ گردد.»^۳

^۱ داستان دوستان، ج ۱، ص ۱۷۲.

^۲ داستان‌های تفسیر نمونه، ص ۳۸۴.

^۳ آشنایی با قرآن، ج ۲، ص ۶۵.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

محیط اجتماعی فاسد، جوّ روحی افراد را فاسد می‌کند، زمینه رشد اندیشه های متعالی را تضعیف و زمینه رشد اندیشه های پست را تقویت می‌کند. به همین دلیل است که در اسلام به اصلاح محیط اجتماعی اهتمام فراوان شده است.^۱ امام علی (ع) اهمیت و نقش محیط اجتماعی را در ساختار تربیتی فرد یادآور شده، در نامه خود به حارث همدانی می‌فرماید:

وَأَسْكُنِ الْأَمْصَارَ الْعِظَامَ فَإِنَّهَا جَمَاعُ الْمُسْلِمِينَ وَأَحْذَرُ مَنَازِلَ الْعَفْلَةِ وَالْجَفَاءِ وَقَلَّةِ الْأَعْوَانِ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ.^۲
«در شهرهای بزرگ سکونت کن؛ زیرا مرکز اجتماع مسلمانان است و از جاهایی که مردم آن از یاد خدا غافل‌اند و به یکدیگر ستم روا می‌دارند و بر اطاعت خدا به یکدیگر کمک نمی‌کنند، پرهیز.»

ایجاد فضای معنوی و دینی در محیط خانه نیز حائز اهمیت است. اگر فضای خانه با ارزش‌های معنوی آمیخته باشد و پدر و مادر خود ارزش‌های الهی و تکالیف دینی را در زندگی خویش جدی بگیرند و فضای خانه را با تلاوت قرآن و ذکر و مناجات نورانی کنند، کودکان به طور مستقیم و به صورت مشاهده‌ای از این جوّ معنوی متأثر می‌شوند و علائق دینی در آنها به طور طبیعی پرورش می‌یابد.^۳

۹. تأثیر تغذیه در تربیت دینی فرزند

تأثیر غذا بر رفتار و تربیت دینی و اخلاقی انسان، جای انکار نیست. از این رو، دین اسلام برای جلوگیری از پیامدهای ناگوار آن درباره تغذیه مادران و فرزندان، توصیه های فراوانی دارد که اگر به خوبی اجرا شود، از بروز بسیاری از مشکلات تربیتی پیشگیری خواهد شد.

امروزه بسیاری از ناهنجاریهای فردی و اجتماعی بر اثر غذاهایی است که به گونه‌ای از راه حرام به دست آمده است و در خانواده ها به مصرف می رسد. کودکانی که با غذای حرام تغذیه می‌شوند و دوره حساس کودکی را به همین صورت سپری می‌کنند، فطرت دینی خود را از دست می‌دهند.
رسول خدا(ص) درباره زنان باردار فرمود:

به زنان باردار در آخرین ماههای حاملگی خرما بخورانید تا فرزندان شما بردبار و متقی شوند.^۴
طبق این روایت، خوردن خرما در دوره بارداری توسط مادر به تربیت دینی کودک کمک می‌کند و او را متدین و با تقوا بار می آورد. نخستین غذایی که کودک پس از تولد از آن تغذیه می‌کند، شیر مادر است. شیر مادر از جنبه‌های گوناگون بر کودک تأثیر می‌گذارد و آنچه مهم است تأثیرات روحی آن است. درباره تغذیه از شیر مادر و چگونگی آن دستوراتی از امامان معصوم(ع) رسیده که قابل توجه است.

امام علی(ع) فرمود:

چیزی برای کودک سودمندتر و پربرکت‌تر از شیر مادر نیست.^۵

درباره انتخاب دایه نیز فرمود:

در انتخاب دایه چنان تلاش و دقت کنید که در ازدواج دقت می‌نمایید؛ زیرا شیر، طبیعت کودک را دگرگون می‌سازد.^۶
و نیز فرمود:

^۱ ر.ک. علل گرایش به مادگیری، ص ۱۷۱.

^۲ فتح البلاغه، نامه ۶۹.

^۳ ر.ک. رفتار والدین با فرزندان، ص ۸۱.

^۴ مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۸۴.

^۵ وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۷۵.

^۶ همان، ص ۱۸۸.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

از شیر زنان بدکاره و دیوانه به فرزندانان ندهید؛ زیرا شیر به اخلاق کودک سرایت می‌کند.^۱ از مجموع روایات بر می‌آید که تغذیه حلال و مطلوب، اعم از شیر مادر و غذا، در دوره کودکی بر تربیت دینی کودک تأثیر فراوان دارد. از این رو، بر پدران و مادران لازم است به دستورات ائمه معصومین(ع) توجه کنند و از غذاهای حلال استفاده نمایند تا فرزندان صالح تربیت کنند.

شخصیت های بزرگ دینی

اسلامی در آغوش پدران و مادران مؤمن و متدین پرورش یافته‌اند. درباره شیخ انصاری نقل کرده‌اند که مادرش هیچ گاه بدون طهارت به ایشان شیر نداد. مرحوم شیخ انصاری بر اثر این مراقبت‌ها و تربیت درست خانوادگی به مقامی رسید که جهان اسلام و حوزه‌های علمیه شیعه تاکنون مدیون خدمات علمی و فرهنگی اویند.^۲

۱۰. یاد دادن احکام و مسائل دینی به کودکان

برای آن که تعالیم دینی در ضمیر نوجوانان اثر عمیق بگذارد و روح آنان با آموزش های مذهبی پرورش یابد، لازم است از اولین فرصت استفاده شود و موقعی که احساسات مذهبی در نهادشان بیدار می‌گردد، تعالیم دینی آغاز گردد. این نکته در برنامه تربیت نسل جوان مورد توجه اولیای گرامی اسلام است.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: «بَادِرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمَرْجُئَةُ».^۳

امام صادق (ع) فرموده است: «احادیث اسلامی را به نوجوانان خود بیاموزید و در انجام این وظیفه تربیتی، تسریع نمایید، پیش از آن که مخالفین گمراه، بر شما پیشی گیرند و سخنان نادرست خویش را در ضمیر پاک آنان جای دهند و گمراهشان سازند».

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «مَنْ عَلَّمَ وَلَدَهُ الْقُرْآنَ، فَكَانَ مَا حَجَّ الْبَيْتَ عَشْرَةَ أَلْفٍ حِجَّةً».^۴

پیامبر اکرم (ص) فرمود: «هر کس به فرزندش قرآن بیاموزد، مانند این است که ده هزار بار خانه خدا را زیارت کند».
عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع) إِنَّهُ قَالَ: «وَتَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ رَبِيعُ الْقُلُوبِ، وَاسْتَشْفَعُوا بِنُورِهِ فَإِنَّهُ شِفَاءُ الصُّدُورِ، وَ أَحْسِنُوا تَلَاوَتَهُ فَإِنَّهُ أَنْفَعُ».^۵

علی (ع) می‌فرماید: «قرآن را یاد بگیرید که بهار دلهاست، و نیکو آن را تلاوت کنید که سودمندترین چیز برای شما، قرآن است».

قَالَ الصَّادِقُ (ع): «قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ فِي الْمُصْحَفِ تُخَفِّفُ الْعَذَابَ عَنِ الْوَالِدَيْنِ وَ لَوْ كَانَا كَافِرِينَ».^۶

امام صادق (ع) فرمود: «خواندن قرآن از روی آن، عذاب پدر و مادر را سبک می‌کند، اگر چه آنها کافر باشند».

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «أَدَّبُ صِغَارَ أَهْلِ بَيْتِكَ بِلِسَانِكَ عَلَى الصَّلَاةِ».^۷

رسول اکرم ﷺ فرمود: «فرزندان کوچک خود را با زبان خود، آداب بنما بر نماز و طهارت».

۱۰-۱. سفارش نماز خواندن به کودکان

لازم نیست که انسان تمام نماز را یک مرتبه به فرزند خود بیاموزد، بلکه بر اساس بیان مفصلی که از امام باقر(ع) رسیده است، او را آموزش دهد.

^۱ بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۳۲۳.

^۲ ر.ک. نشریه معرفت، شماره ۲۳، ص ۷. (مقاله تربیت دینی خانواده، محمد احسانی)

^۳ کافی، ج ۶، ص ۴۰۷.

^۴ مستدرک، ج ۴، ص ۲۴۷.

^۵ فتح البلاغه، خطبه ۱۱۰.

^۶ اصول کافی، کتاب فصل القرآن، ج ۴.

^۷ مجموعه ورام، ص ۳۵۸.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

در سه سالگی کلمه توحید «لا اله الا الله» را به طفل بیاموزد. و در سن چهار سالگی «محمد رسول الله» به وی یاد بدهد. و در سن پنج سالگی قبله را به او نشان دهد و سر به سجده گذاشتن را به او آموزش دهد، در شش سالگی کامل رکوع و سجده صحیح را به او بیاموزد. و در هفت سالگی به او نماز گذاردن را یاد بدهد.

و حضرت رسول ﷺ فرمودند: وقتی که فرزندان تا به سن هفت سالگی رسیدند به آنها نماز یاد بدهد. و حضرت امیرا المؤمنین (ع) فرمودند: به فرزندان خود نماز بیاموزید و وقتی که به سن بلوغ رسیدند از آنها بخواهید که نماز بخوانند.

بالاترین عبادت نزد خدا نماز است

فرمود حیّ سرمد بر عقل کل محمد ﷺ کاری که امت را بخشد بقا نماز است^۱

۱-۲. حضور کودکان در صفوف نماز جماعت

از امام محمد باقر(ع) در مورد کودکانی که در نماز جماعت شرکت می کردند سؤال کردم، امام باقر(ع) فرمودند: «آنان را از صفهای جلو به قسمت عقب صف نماز جماعت نفرستید، بلکه آنان را (در میان بزرگسالان) پراکنده سازید.»^۲

۱-۳. کودکان روزه بگیرند

موضوع نماز و روزه تمرینی کودکان و نوجوانان از مسائلی است که همیشه مورد توجه امامان معصوم، بوده است. امام صادق (ع) در سخنی فرمودند:

«إِنَّا تَأْمُرُ صَبِيَانَنَا إِذَا كَانُوا بَنِي سَبْعِ سِنِينَ بِمَا أَطَافُوا مِنْ صِيَامِ الْيَوْمِ فَإِنْ كَانَ إِلَى نِصْفِ النَّهَارِ أَوْ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ أَوْ أَقَلَّ فَإِذَا غَلَبَهُمُ الْعَطَشُ وَالْغَرْتُ أَفْطَرُوا حَتَّى يَتَعَوَّدَ الصَّوْمِ وَيَطِيقُوهُ فَمَرُوا صَبِيَانَكُمْ إِذَا كَانُوا بَنِي تِسْعِ سِنِينَ بِالصَّوْمِ مَا أَطَافُوا مِنْ صِيَامِ فَإِذَا غَلَبَهُمُ الْعَطَشُ أَفْطَرُوا»^۳

امام ششم فرمود: «ما امر می کنیم بچه های خودمان را به روزه گرفتن در وقتی که هفت ساله باشند، به هر مقدار از روز که طاقت بیاورند، اگر چه نصف روز و یا کمتر از آن باشد. پس وقتی که بر آنان تشنگی یا گرسنگی غلبه کرد افطار می کنند، برای اینکه عادت به روزه گرفتن نمایند و طاقت آورند تا به پایان رساندن آن. پس شما نیز به فرزندان خود دستور دهید وقتی که نه ساله شدند روزه بگیرند، به اندازه ای که طاقت داشته باشند در نگهداری آن پس وقتی که تشنگی با گرسنگی به آنان غلبه کرد افطار کنند».

نتیجه گیری

از جنبه های مهم تربیت، تربیت دینی است که دارای حساسیت و تأثیری روشن بر ابعاد مختلف زندگی فرد می باشد. بنابراین برای تحقق بخشیدن به آن، نیازمند دستورالعملی جامع و بی نقص هستیم تا سعادت دنیا و آخرت انسان را تضمین کند. اما چه رهنمودی بهتر از آموزه های دین مبین اسلام و روایات پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت ایشان برای ضمانت خوشبختی می توان یافت؟ بی شک بهترین راه تربیت فرزند را می توان در میان روایات و کلام گهربار ائمه معصومین (علیهم السلام) جستجو کرد. در پایان یافته های این پژوهش را می توان بدین قرار بیان کرد:

۱. هدف قابل برداشت از تربیت دینی این است که، تربیت دینی فرایند اعطای بینشی به فرد است که هماهنگ با فطرت خود اوست و این تربیت مسیری برای رسیدن فرد به سعادت دنیوی و اخروی است. تربیت دینی از آن جهت اهمیت دارد که انگیزه بعثت انبیا نیز دراصل بر همین هدف استوار است.

۲. دین، مجموعه اصول، قواعد، احکام و دستوراتی است که از سوی خداوند به انسان داده شده است و سه عنصر اساسی دارد: شناخت، ایمان و عمل

^۱ داستان های از نماز، ص ۳۹.

^۲ تحذیب الاحکام، ج ۲، ص ۳۸۰.

^۳ وسائل، ج ۷، ص ۱۶۸.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۳. تربیت دینی فرزندان از آن جایی که می‌تواند سعادت دنیا و آخرت او را مهیا سازد اهمیت والایی دارد. در شکل‌گیری این تربیت، والدین، معلمان و مربیان، دوستان، محیط و تغذیه هر یک به نوعی موثرند.

۴. آموزش احکام دینی در اولین فرصت به کودکان و نوجوانان مسئله مهمی است، زیرا موجب می‌شود مخالفین گمراه نتوانند پیشی بگیرند و سخنان و رفتار و کردار نادرست خود را در ضمیر پاک آنان جای دهند و گمراهشان سازند. در روایات گوناگونی نیز به این امر اشاره شده است که احکام دینی را باید با عمل خود شخص، به کودکان آموخت.

امید است این نوشتار، برای خوانندگان مثمر ثمر واقع شود.

پیشکشی ناقابل به ساحت مقدس آقا امام زمان (عج)
اللهم عجل لولیک الفرج.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

منابع و مآخذ

۱. *قرآن کریم.
۲. *نهج البلاغه، فیض الاسلام.
۳. آشنایی با قرآن، شهید مرتضی مطهری، صدرا.
۴. بحار الانوار، علامه مجلسی، چاپ ایران.
۵. تنمۃ المنتهی فی وقایع ایام الخلفاء، شیخ عباس قمی، دلیل ما، قم.
۶. تربیت دینی فرزندان، نعمت الله یوسفیان، پژوهشکده تحقیقات اسلامی.
۷. تربیت فرزند از نظر اسلام، حسین مظاهری، انتشارات ام ابیها، قم.
۸. تفسیر روح البیان، اسماعیل حقی، بیروت.
۹. تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، انتشارات داوری، قم.
۱۰. داستان دوستان، محمد محمدی اشتهاردی، بوستان کتاب، قم.
۱۱. داستان‌های تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، انتشارات قدس، قم.
۱۲. داستان‌های شگفت‌انگیزی از تربیت فرزند، حیدر قنبری، انتشارات فاتح خیبر، قم.
۱۳. رفتار والدین با فرزندان، محمدعلی سادات، انجمن اولیا و مربیان.
۱۴. رهنمای انسانیت؛ سیری دیگر در نهج الفصاحه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
۱۵. صحیفه سجاده، چاپ مکرر.
۱۶. علل گرایش به مادیگری، شهید مرتضی مطهری، صدرا.
۱۷. غرر الحکم و درر الکلم، عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، دارالکتاب الإسلامی، قم.
۱۸. الکافی، ثقة الاسلام کلینی، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۱۹. کنز العمال، علی المتقی بن حسام‌الدین هندی، مؤسسه الرساله، بیروت.
۲۰. لغت نامه، علی اکبر دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۱. مجله معرفت.
۲۲. مستدرک الوسائل، محدث نوری، آل البيت، قم.
۲۳. مفردات القرآن، راغب اصفهانی، بیروت.
۲۴. مکارم الاخلاق، طبرسی، مؤسسه اعلمی، بیروت.
۲۵. میزان الحکمه، محمدی ری شهری، دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۶. والدین و فرزندان از دیدگاه اسلام، علی محمد حیدری نراقی، انتشارات مهدی نراقی، قم.
۲۷. وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی، بیروت.